



بار دیگر شد شکوفا بوستان حیدری
بار دیگر زهره زهرا، کند روشنگری
باز منزلگاه قرآن، معجزی دیگر نمود
شد نمایان آیتی دیگر، برای رهبری
از امام هادی و از مادری پاک و نجیب
آمد آن رهبر، که دارد، در دو عالم سروری
روز رحمت، هشتمین روز ربیع الآخر است
چون بود فرخنده میلاد امام عسکری
ارتباطش با خدای خود، سوای ماسواست
گرچه مانند بشر باشد به خلق ظاهری
هیبتش چون صولت حیدر بود دشمن شکن
با حسن همنام و همتایش به نیکو منظری
این حسن یارب مگر یک مجتبیای دیگر است
چونکه دارد آنچه احمد داشت جز پیغمبری
عسکری چون سیزده معصوم والای دگر
بر جمیع انبیای شبهه دارد برتری
چهارده حکام دین، هستند چون قائم مقام
لامکان، یکتا خدا را، در مکان دآوری
هرچه می خواهی حسان از حضرت مهدی بخواه
چونکه مسرور است امشب حجه بن العسکری

سروده: حبیب الله چایچیان (حسان)

مجتبایی دیگر

به مناسبت سالروز میلاد امام حسن عسکری (ع)

اشاره:

۸ ربیع الثانی مصادف است با میلاد امام حسن عسکری (ع) که در سال ۲۳۲ هجری قمری متولد شدند. پدر آن حضرت، امام هادی (ع) و مادر گرامی شان بانویی ست به نام «حدیث» یا «حدیثه». محل ولادت ایشان در مدینه منوره بوده و از مشهورترین القاب حضرت به «زکی» و «نقی» می توان اشاره کرد. علت نامیده شدن حضرت به «عسکری» آن است که ایشان را برای زیر نظر داشتن و کنترل رفت و آمدها، به اجبار در محل سکونت سپاهیان ترک تبار دربار عباسی مسکن داده بودند. در این متن به بهانه میلاد با سعادت یازدهمین ستاره آسمان ولایت، به برخی کرامات آن حضرت می پردازیم.

کرامت حضرت عسکری (ع)

جعفر بن شریف می گوید: قصد حج کردم و قبل از حج به زیارت امام حسن عسکری (ع) در سامرا رفتم. اموالی از شیعیان همراهم بود که باید آن ها را به حضرت می رساندم. خواستم از آن حضرت بپرسم اموال را به چه کسی بدهم، ولی پیش از آن که من صحبت کنم حضرت فرمودند: «به خادمم بده!»





نگذاشته و تا روز قیامت هم خالی نخواهد گذارد...»
گفتم: ای فرزند رسول خدا! بنابراین، امام و خلیفه بعد از شما کیست؟

امام علیه السلام فوراً از جا برخاست و وارد خانه شد، سپس بیرون آمد در حالیکه پسری حدوداً سه ساله را روی دوش گرفته بود که صورتش همچون ماه شب چهارده می‌درخشید و فرمود:

«ای احمد! اگر به خاطر کرامت تو نزد خدای عزّ و جل و اولیای او نبود، این کودکم را به تو نشان نمی‌دادم. او همانم و هم کنیه رسول خداست و کسی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ پس از آن‌که از ستم و بیداد پر شده باشد... به خدا سوگند او در غیبتی طولانی به سر خواهد برد و مردمان از هلاکت و انحراف نجات نخواهند یافت مگر کسانی که در اعتقاد به امامت او ثابت قدم بوده و به خاطر دعا برای تعجیل فرج او توفیق داشته باشند.

احمد بن اسحاق می‌گوید: گفتم آیا معجزه و علامتی ظاهر خواهد شد که اطمینان خاطر پیدا کنم؟ (به محض گفتن این سخن) آن کودک به سخن آمد و فرمود:

«منم باقیمانده خدا در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خدا و پس از دیدن من دیگر در جستجوی نشانه‌ای دیگر نباش!»

منبع:

تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام باقر شریف قرشی.

زمینه‌سازی غیبت حضرت مهدی علیه السلام

یکی از مهمترین مسؤولیت‌هایی که امام حسن عسکری علیه السلام در مورد آن اهتمام جدی داشتند، مسأله معرفی امام پس از خودشان و مطرح کردن غیبت آن حضرت بود، چرا که در آن زمان عباسیان برای جلوگیری از ولادت امام عصر علیه السلام که بشارت ظهورش از سالیان پیش توسط انبیاء و امامان علیهم السلام داده شده بود، در جستجوی منجی آخرالزمان (برای کشتن وی) بودند و در نتیجه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام برای در امان ماندن فرزند خود، باید ایشان را از دید مأموران حکومتی مخفی می‌کردند. اما از طرف دیگر از آنجائی که پس از امام عسکری علیه السلام ابتدا غیبت صغری و پس از آن غیبت کبری به وقوع می‌پیوست و عموم شیعیان از رؤیت امام خود محروم می‌شدند، لذا باید حضرت مهدی علیه السلام به خواص شیعیان معرفی شده و مسأله غیبت آن حضرت، برایشان روشن می‌شد. در این زمینه، روایت‌های مختلفی وجود دارد که به ذکر یکی از آن‌ها بسنده می‌کنیم:

«احمد بن اسحاق» از یاران مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که:

بر آن حضرت وارد شدم و تصمیم داشتم که از جانشین ایشان بپرسم، اما آن حضرت خودشان بدون مقدمه فرمود:

«ای احمد بن اسحاق! خداوند تبارک و تعالی از زمانی که آدم را آفرید زمین را از حجت خدا بر خلقش خالی

جعفر بن شریف می‌گوید: انجام دادم و بیرون آمدم و به حضرت گفتم: شیعیان شما در «جرجان» به شما سلام می‌رسانند. امام علیه السلام فرمودند: مگر بعد از مراسم حج به جرجان بر نمی‌گردی؟ عرض کردم: بله، بر می‌گردم. فرمودند: ۱۷۰ روز دیگر اول روز جمعه سوم ربیع الثانی به جرجان وارد می‌شوی. در آن روز به مردم اعلام کن که من در آخر همان روز به آنجا می‌آیم. خداوند متعال تو را و آنچه با توست به سلامت به اهل و اولادت خواهد رسانید. پسری برای پسر تمولد می‌شود، نام او را «صلت» بگذار که خداوند به زودی او را به حد کمال می‌رساند و او از اولیا ما خواهد بود.

جعفر می‌گوید: از خدمت امام مرخص شدم و به حج رفتم و بازگشتم و در همان روزی که حضرت فرموده بودند وارد جرجان شدم. هنگامی که اصحاب و شیعیان برای استقبال می‌آمدند به ایشان گفتم: امام علیه السلام به من وعده داده‌اند که در انتهای همین روز (سوم ربیع الثانی) به این‌جا تشریف می‌آورند. مهیا شوید و خود را آماده سازید. شیعیان پس از اقامه نماز ظهر و عصر در خانه جعفر جمع شدند. ناگاه امام حسن عسکری علیه السلام در همان ساعتی که فرموده بودند وارد شدند. به شیعیان سلام کردند و فرمودند: من به جعفر بن شریف وعده کرده بودم که در آخر این روز نزد شما بیایم. نماز ظهر و عصر را در سامراء به جا آوردم و نزد شما آمدم تا با شما تجدید عهد نمایم. اکنون حوائج و مسائل خود را بیاورید.